



هیدروپلیتیک و امنیت ملی (بررسی وضعیت شرق ایران)

رضا سیمبر^۱، زهرا پاکزاد^۲، فاطمه پاکزاد^۳

چکیده

محدودیت منابع آب شیرین در جهان و افزایش روزافزون مصرف، موجب کشیده شدن آب به عرصه رقابت کشورها و گروه‌های مختلف شده و آب ایفاگر نقش اساسی در شکل دهی به روابط اجتماعی - سیاسی میان گروه‌ها می‌باشد. نیاز روزافزون به آب، تغییر الگوهای مصرف، آلودگی، از بین رفتن منابع طبیعی و توسعه بیابان‌ها بشر را به سوی بحران جهانی آب سوق داده‌است. موقعیت فرودستی ایران نسبت به افغانستان در شرق و موقعیت فرادستی نسبت عراق در غرب و همچنین منابع آب در ایران مسائل و مشکلات بالقوه و بالفعل قابل توجهی دارد. ایران به‌عنوان یکی از کشورهای خشک و نیمه خشک جهان در منطقه خاورمیانه، از جمله کشورهایی است که با بحران آب مواجه است و این مسئله یکی از اصلی‌ترین عوامل محدودکننده توسعه کشور در دهه‌های آینده به‌شمار می‌رود و مسائل و مشکلات بالقوه و بالفعل قابل توجهی را برای کشور به‌دنبال خواهد داشت. و از طرف دیگر نادیده انگاشتن واقعیت ارتباط پیچیده میان آب و امنیت از سوی پاره‌ای از متخصصان امنیت بین‌الملل، واقعیت‌ها حکایت از آن دارد کمبود منابع آب شیرین می‌تواند به عنوان یک چالش پایدار در مناسبات بین‌المللی مطرح شود. با توجه به این مهم، این پژوهش در پی آن است که آشکار سازد چگونه کمبود منابع آب شیرین می‌تواند سبب شکل‌گیری منازعه در سطح ملی و بین‌المللی گردد. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با شیوه کتابخانه‌ای می‌باشد، و با در نظر گرفتن مسائل مربوط به هیدروپلیتیک شرق کشور به صورت‌های مختلف و تاثیر آن بر امنیت ملی را بررسی خواهد شد.

واژگان کلیدی: هیدروپلیتیک، بحران آب، ایران، افغانستان، هیرمند، امنیت ملی.

۱. مدیر گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان: simbar@guilan.ac.ir

۲. دانش‌آموخته ارشد روابط بین‌الملل: Zahra_pakzad@yahoo.com

۳. دانش‌آموخته ارشد روابط بین‌الملل: pakzadf90@gmail.com



Hydropolitics and National Security (Review of East of Iran)

Reza Simbar¹, Zahra Pakzad², Fatemeh Pakzad³

Abstract

The limitation of fresh water resources in the world and the increasing consumption of water have led to the expansion of water into the field of competition between countries and groups, and water plays an essential role in shaping the socio-political relations of groups. Increasing demand for water, changing patterns of consumption, pollution, loss of natural resources, and the development of deserts have pushed humanity to the global water crisis. Iran's sub-prime position toward Afghanistan in the east and the high status of the Iraqi-western proportions, as well as water resources in Iran, have significant potential and actual problems. Iran as one of the driest and semi-arid countries of the world in the Middle East is one of the countries facing water crisis and this issue is one of the main factors limiting the development of the country in the coming decades and presents significant and potentially significant problems will follow the country.

On the other hand, ignoring the reality of the complex relationship between water and security by some experts in international security, the facts indicate that scarcity of fresh water supplies can be posed as a lasting challenge in international relations. With this in mind, this research seeks to reveal how the scarcity of fresh water resources can lead to national and international conflicts. The present paper is based on descriptive-analytical and library-based methods, and will examine different aspects of the country's hydropolitics in different ways and its impact on national security.

Keywords: Hydropolitics, Water crisis, Iran, Afghanistan, Hirmand, National Security.

1. Head of Political Sciences and International Department, Gilan University, simbar@guilan.ac.ir.

2. Graduate of International Relations, Zahra_pakzad@yahoo.com.

3. Graduate of International Relations, pakzadf90@gmail.com



مقدمه:

ایران به لحاظ جغرافیایی در کمربند خشک و نیمه‌خشک جهان قرار دارد و میانگین میزان بارندگی آن حدود ۲۴۰ میلی‌متر است که کمتر از یک سوم متوسط جهانی می‌باشد و با وجود اینکه ایران حدود ۱/۲ درصد سطح خشکی‌های زمین و ۱ درصد جمعیت جهان را داراست ولی تنها ۰/۳۶ درصد بارش‌های سالانه را دریافت می‌کند. در دهه ۱۳۳۰ شمسی متوسط سرانه آب کشور بیش از ۸۰۰۰ متر مکعب در سال بوده ولی در حال حاضر این رقم به حدود ۱۸۰۰ متر مکعب کاهش یافته است و هنگامی که جمعیت کشور از مرز ۸۰ میلیون نفر عبور کرد، سرانه آب کشور به آستانه بحران یعنی کمتر از ۱۷۰۰ متر مکعب رسید.

شبکه‌های رودخانه‌ای در سطح منطقه نشان می‌دهد که ایران از شرایط هیدروپلیتیک ویژه‌ای در این منطقه برخوردار می‌باشد. به بیان دیگر کشور ما در حوضه رودخانه هیرمند در سوی خاوری خود در جایگاه فرودست و در حوضه رود دجله در سوی باختری بواسطه وجود چندین رود کوچک و بزرگ از جمله رودهای زاب کوچک و سیروان در جایگاه فرودست قرار دارد. لذا با توجه به این مسائل لازم است که ایران در سیاست خارجی خود به این موارد توجه کافی داشته و از تأثیرات مثبت و منفی آنها بر منافع ملی خود آگاه باشد. نگاهی به گذشته روابط ایران با افغانستان نشان می‌دهد که افغانها از موقعیت بالادستی خود در رابطه با ایران به خوبی بهره جسته و ایران را تحت فشار قرار داده‌اند. اکنون هم با توجه به احداث سد دوستی در مرز مشترک ایران و ترکمنستان و از همه مهم‌ترین تحولات افغانستان پس از سقوط طالبان که به استقرار آرامش و امنیت نسبی در این کشور انجامیده و روند بازسازی و پیشرفت نیز در این کشور آغاز گشته است. امروزه آشناسان و حتی سیاستمداران کشورهای مختلف جهان از گمان به یقین رسیده‌اند که نحوه استفاده از منابع آب دنیا و چگونگی تقسیم آن یکی از عوامل بروز جنگ‌ها در اقصی نقاط جهان خواهد بود. بدیهی است که نیازهای آبی این کشور هم افزایش خواهد یافت. تاریخ روابط ایران و عراق نیز از همان هنگام تأسیس این کشور از دهه سوم سده ۲۰ میلادی به خاطر مسائل ژئوپلیتیک متشنج بوده است این روابط با سرنگونی رژیم بعث در عراق و شکل‌گیری حکومتی مردمی در این کشور به سرعت رو به بهبودی گزرده است اما با توجه به آنکه این کشور به خاطر کاهش ورودی آب از ترکیه در تأمین آب مورد نیاز خود دچار مشکل شده است به شدت وابسته به آب‌هایی است که از ایران به سوی این کشور جاری‌اند. سوال پژوهش تهدیدها و فرصت‌های هیدروپلیتیکی ایران با توجه به جایگاه فرودستی



افغانستان در شرق و فرادستی عراق در غرب چه می‌باشد؟ یافته‌ها و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کشور در آینده دچار بحران آب شده و سرانته آب تجدید شونده در کشور به علت افزایش مصرف کاهش پیدا کرده و به پایین‌تر از استاندارد جهانی خواهد رسید. از طرف دیگر پروژه‌های انتقال آب از حوضه‌های پرآب به کم‌آب نیز که به منظور جبران کسری آب صورت می‌گیرد، در صورت عدم توجه به همه ابعاد آن، مشکلات و مسائل امنیتی و سیاسی دیگری را برای کشور ایجاد خواهد کرد. در ارتباط با هیدروپلیتیک بخش‌های شرقی کشور نیز باید در آینده همچنان شاهد کاهش آب‌های ورودی به کشور از مرزهای شرقی بود. ایران در حوضه رودخانه هیرمند در سوی شرق خود در جایگاه فرودست و در حوضه رود دجله در سوی غرب به واسطه وجود چندین رود کوچک و بزرگ از جمله رودهای زاب کوچک و سیروان در جایگاه فرادست قرار دارد، و با توجه به روابط ایران با افغانستان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مقاله به بررسی اهمیت رودخانه مرزی هیرمند برای هر دو کشور ایران و افغانستان، استفاده از رودخانه هیرمند در امنیت و توسعه اقتصادی-سیاسی شرق ایران چه جایگاهی دارد؟ قرار داشتن مرز دو کشور در بستر تغییرپذیر رودخانه هیرمند، عدم وجود نظام بهره‌برداری عادلانه از آب رودخانه متناسب با نیازهای طرفین و سیاسی شدن مسأله بهره‌برداری از آب هیرمند هم در افغانستان و هم در ایران، از جمله مهمترین فاکتورهای موثر در ایجاد امنیت اقتصادی-سیاسی در روابط دو همسایه می‌باشد.

هیدروپلیتیک

هیدروپلیتیک از جمله رشته‌های جوان دانشگاهی است که علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته از سوی صاحب نظران به منظور ارائه یک تصویر دقیق با چارچوب مفهومی مشخص، هنوز در مرحله ابتدایی توسعه می‌باشد. گروه‌های انسانی همواره بر سر منابع ارزشمند و کمیاب آب به رقابت پرداخته و با یکدیگر منازعه می‌کنند. این معادله بسیار ساده به نظر می‌رسد. آب ماده‌ای کمیاب و در عین حال ضروری برای حیات، سلامتی و رفاه به شمار می‌رود پس رقابت بر سر آن امری اجتناب‌ناپذیر است. نتیجه اینکه آب ماده‌ای است که همواره با قدرت سیاسی پیوند داشته است. نگاهی به نقشه جغرافیای طبیعی و سیاسی جهان حکایت از عدم تطابق مرزهای سیاسی باحوضه‌های آبریز دارد، به نحوی که امروزه بیش از ۴۰ درصد از جمعیت جهان در مناطقی زندگی می‌کنند که حوضه‌های آبریز آنها بین دو یا چند کشور مشترک است و ۵۰ تا ۶۵ درصد از وسعت هر یک از قاره‌ها را حوضه‌های آبریز مشترک تشکیل داده‌است. بنابراین پرداختن به



مسائل آب‌های مرزی مشترک از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و برای مدیریت کردن آنها تاکنون بیش از ۳۸۰۰۰ باینه یا کنوانسیون و حدود ۳۰۰ معاهده بین‌المللی تدوین و تثبیت شده است (اردکانیان، ۱۳۸۴: ۳). همچنین در متن بیش از ۲۰۰۰ پیمان بین‌المللی نیز بندهایی در ارتباط با آب وجود دارد. در طول تاریخ رودخانه‌ها محل تبادل جریان‌های سیاسی و محور تحولات مهم بوده‌اند، که بر سر کسب امتیازهای آنها جنگ‌های متعددی به وقوع پیوسته است (حافظ، نیکبخت، ۷۴-۸۴). طبق گزارش بهداشت جهانی در ۱۵ درصد کشورهای دنیا بیش از ۵۰ درصد آب رودخانه‌ها قبل از رسیدن به کشورهای پایین دستی استفاده می‌شود (Bancroft, 2001: 12). هیدروپلیتیک از جمله زیرمجموعه‌های علم جغرافیای سیاسی می‌باشد که به بررسی نقش آب در رفتارهای سیاسی با مقیاس‌های مختلف می‌پردازد، نوع برهم کنش میان ملت‌ها در بهره‌برداری از این منابع آبی مشترک، طیف گسترده‌ای از سازگاری و همکاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را در برمی‌گیرد

اهمیت این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که تعداد زیادی از حوضه‌های آبریز در جهان بین دو یا چند کشور مشترک است. مجتهدزاده معتقد است که هیدروپلیتیک به مطالعه اثر تصمیم‌گیری‌های مربوط به استفاده از آب در شکل‌گیری‌های سیاسی در روابط میان کشورها با یکدیگر با روابط میان دولت‌ها و مردم حتی در یک کشور می‌پردازد کمبود آب یا اجازه عبور آب از مرزهای بین‌المللی به گونه‌ای روزافزون در روابط سیاسی دولت‌ها و ملت‌های خود و روابط کشورها با یکدیگر اثر می‌گذارد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۱).

معمولاً در رویکردهای مختلف درباره هیدروپلیتیک بر موارد زیر تأکید دارد: ۱- بررسی ارتباط متقابل میان بازیگران دولتی و غیردولتی؛ ۲- تأکید بر بازیگران و نهادهای درون و بیرون کشورها؛ ۳- تلاش در جهت استفاده انحصاری از آب؛ ۴- اعمال حاکمیت‌های گوناگون بر روی رودهایی که هم جنبه ملی دارند و هم بین‌المللی (مختاری‌هشی، ۱۳۷۸: ۱۳۳-۱۳۲). بنابراین عدم قاطعیت و شفافیت قوانین بین‌المللی مانع از حصول توافق بین کشورها می‌شود. منازعه و رقابت بر سر آب ممکن است در مقیاس‌های مختلف صورت بگیرد که موجب مطرح شدن هیدروپلیتیک در مقیاس‌های مختلف می‌شود.

هیدروپلیتیک در مقیاس محلی به بررسی تأثیر منابع آب و سیاست‌های مربوط به آن بر روابط اجتماعی و اختلافات و تنش‌های محلی که ممکن است بر اثر آن، در یک منطقه از کشور یا ناحیه جغرافیایی رخ دهد می‌پردازد. در بسیاری از کشورها ضعف مدیریت منابع آب،



رقابت شدیدی میان گروه‌های داخلی جامعه که هر کدام دارای منافع و علایق خاص هستند، برانگیخته است (علیزاده، ۱۳۸۳: ۷۲). هیدروپلیتیک در مقیاس ملی به بررسی تأثیرات مثبت و منفی و تنش‌های سیاسی-اجتماعی احتمالی ناشی از سیاست‌های آبی حکومت و دستگاه‌های دولتی در خصوص مدیریت آب در داخل کشور مثل احداث سدها و انتقال آب از حوضه‌ای به حوضه دیگر می‌پردازد. هیدروپلیتیک در مقیاس منطقه‌ای، امروزه بیشتر در این مقیاس مورد توجه است و به سیاست‌های کشورها در رابطه با یکدیگر در خصوص توزیع، کنترل و کیفیت منابع آب مورد توجه قرار می‌دهد، این مسائل هم می‌تواند موجب تنش و هم می‌تواند موجب همگرایی میان کشورها گردد. برخی رابطه آب و سیاست در سطح منطقه‌ای را بیان تأثیر منابع آب در سیاست خارجی می‌دانند که چگونگی عملکرد سیاست خارجی یک کشور برای تأمین آب را تبیین می‌کند (عسگری، ۱۳۸۱: ۴۹۷). هیدروپلیتیک در مقیاس جهانی درگیر مسائلی همچون مذاکرات و مباحث کلان در کنفرانس‌های بین‌المللی روی آب و فرموله کردن قوانین بین‌المللی در این خصوص است، مثل کنفرانس بین‌المللی «آب و طبیعت» که در سال ۱۹۹۲ در دوبلین برگزار شد و شورای جهانی آب (Mollinga, 2001: 735).

دیپلماسی آب

مسئله کمبود آب و کاهش تدریجی آن در اثر افزایش مصرف موجب شده که آب نقش اساسی‌تری در شکل دهی به روابط سیاسی-اجتماعی ملت‌ها و جوامع بشری به ویژه در مناطق خشک جهان ایفا کند. امروز آب به عنوان یک موضوع ژئوپلیتیکی تجلی پیدا کرده و بر روابط کشورها تأثیر می‌گذارد. این تأثیر هم دارای جنبه‌های مثبت و همکاری بین کشورها نظیر نظام حقوقی رودخانه دانوب و نظام حقوقی دریای سیاه شده و هم دارای جنبه‌های منفی و مناقشه برانگیز مثل منطقه غرب آسیا و شبه‌قاره هند می‌باشد^۱. تنش بر سر تقسیم منابع آب شیرین موجود در جهان که در تمام مناطق دنیا ریشه دوانیده است به اشکال مختلفی در می‌آید که از ایجاد تضاد میان آب مشترکان شهری و کشاورز در غرب ایالات متحده شروع می‌شود و به مناقشه‌ای تمام عیار در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس ختم می‌گردد. واقعیتی که تحقق آن در آینده نزدیک، دور از انتظار نیست. از دیدگاه پاره‌ای از ژئوپلیسن‌ها از دوازده عامل جغرافیایی که تنش و کشمکش را در مناسبات کشورهای یک منطقه ایجاد خواهد کرد، شش عامل مرتبط با تنش بر سر چگونگی

1. <http://www.farsnews.com>



تقسیم منابع آب است. هر چند که عوامل اجتماعی - اقتصاد، امکان دسترسی به آب را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما مناقشه بر سر حقبه در حوزه رودخانه‌ها و دریاچه‌هایی که بین دو یا چند کشور مشترک هستند و آب آبخانه‌هایی که فراتر از مرزها بین‌المللی قرار دارند، تغییر مسیر رودخانه‌های مرزی مشترک و نیز انزوای جغرافیایی کشورهای محصور در خشکی و تلاش برای دسترسی به آب‌های آزاد، مشکل دسترسی به آب را بازم پیچیده‌تر می‌کند. به عنوان مثال حوزه رود اردن، دجله و فرات و اروندرود از مناطقی هستند که مناقشه بر سر آب در آنها امری بالقوه بوده یا به فعل درآمده است (Haggett, 2000: 372).

امنیت و محیط زیست

امنیت یکی از مباحث موردی در حوزه علم سیاست و حوزه سیاست‌گذاری در هر نظام سیاسی است که همواره از ابعاد مختلفی مورد تهدید قرار می‌گیرد. امنیت پدیده‌ای کیفی است که بر حسب درجه‌بندی‌های عمدتاً ذهنی قابل توصیف است. اغلب امنیت به معنای نبود تهدیدات و خطرات تعریف می‌شود (Engerer, 2009: 7). عوامل زیست محیطی، جدیدترین جنبه امنیت ملی است. مطالعات اخیر در این حوزه نشان می‌دهد که رشد سریع و بی‌رویه جمعیت، کاهش منابع طبیعی و گسترش غیرقابل کنترل آلودگی‌های زیست محیطی وارد مباحث اصلی پژوهش‌های روابط بین‌الملل شده است (ریبیعی، ۱۳۸۳: ۱۴۷).

امروزه از تهدیدات زیست محیطی به عنوان یکی از تهدیدات نوین امنیت ملی یاد می‌شود. نگرانی فزاینده در مورد آینده بشر و تأثیر منفی تخریب محیط زیست بر زندگی انسان باعث شده که مشکلات زیست محیطی اهمیتی روزافزون در سیاست ملی و بین‌المللی پیدا کند؛ به همین دلیل موضوع تأثیر تخریب محیط زیست بر امنیت مورد توجه فزاینده‌ای از پژوهشگران روابط بین‌الملل قرار گرفته است (ماندل، ۱۳۸۷: ۴۴-۴۳). تهدید محیط زیست، مستقیم و غیرمستقیم بر امنیت ملی اثر می‌گذارد. در تأثیرگذاری مستقیم، دولت‌ها برای دستیابی یا استمرار سلطه‌شان بر منابع کمیاب طبیعی که دارای ارزشی حیاتی هستند با یکدیگر وارد رقابت می‌شوند. در روش غیرمستقیم، تغییرات پدید آمده در حوزه محیط زیست آثار سیاسی - اجتماعی پدید می‌آورد که به نوبه خود زمینه بروز نزاع را به اشکال مختلفی فراهم می‌سازند (تریف، ۱۳۸۱: ۳۴۷).

رابطه امنیت و محیط زیست، یا رابطه دوسویه و مکمل است. محیط زیست به عنوان عرصه و مکان زندگی، امکان رشد و بالندگی انسان را فراهم می‌کند. تغییرات زیست محیطی در دهه‌های



اخیر مانند تغییرات آب و هوایی، چالش‌های اساسی را برای امنیت انسانی در سراسر جهان ایجاد کرده‌است که مهمترین آثار آن را می‌توان در بحران کمیابی منابع زیستی و از جمله منابع آب شیرین مشاهده نمود. هر چند که این مسئله، عامل فوری در شکل‌گیری منازعه در روابط بین‌الملل نیست، اما فشارهایی را پدید می‌آورد که موجب تشدید تنش، تداوم کشمکش و برانگیختن آشوب‌ها و شورش‌های اجتماعی شده و به نوبه خود تهدید امنیتی پایداری را در پی خواهد داشت (صادقی، ۱۳۹۰: ۱۴۰). محدودیت منابع آب، موجب بسیاری از منازعات و مناقشات میان کشورها شده و در آینده نیز خواهد شد. کارشناسان بین‌المللی پیش‌بینی می‌کنند تنش‌های سیاسی میان کشورهای همسایه برای استفاده از آب رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و آب‌های بین‌المللی، ممکن است تا شروع جنگ پیش رود (کاوایانی راد، ۱۳۸۴: ۳۴۰). همکاری بین کشورها بر سر منابع آب به میزان زیادی با روابط سیاسی و اقتصادی و میزان اطمینان و اعتماد سیاسی طرفین به یکدیگر ارتباط دارد. زمانی که کشورهای حاشیه رودخانه دیدگاه‌های سیاسی مشترکی داشته باشند، یا روابط اقتصادی و تجاری گسترده‌ای با یکدیگر داشته باشند، این عامل امکان همکاری و در نهایت دستیابی به توافق بین آنها را افزایش می‌دهد، در چنین شرایطی کشورهای بخش علیای رود سعی می‌کنند از آب به‌عنوان یک اهرم سیاسی اقتصادی برای تحت فشار قرار دادن کشورهای اطراف رود استفاده نمایند، که برای اینکه کشورهای حاشیه رود از آب به‌عنوان اهرم سیاسی و اقتصادی استفاده نکنند، نیاز به یک توافق بین همه کشورهای حاشیه دارند تا از این طریق همکاری بین آنها تداوم یابد و این توافق در صورتی حاصل می‌شود که آب رود به‌طور منصفانه بین کشورها تقسیم شود. اگر کشورها به این توافق نرسند دچار تنش بین کشورهای حاشیه رود می‌شوند.

بحران آب و تاثیر آن بر امنیت ایران

بحران آب می‌تواند سیاست‌های توسعه اقتصادی پایدار را در ایران به چالش بکشد و چشم‌انداز بسیاری از صنایع را در آینده‌ای مبهم فرو برد. از این رو بررسی تاثیر بحران آب بر سیاست و پیامدهای آن برای امنیت ملی یک ضرورت است به ویژه اینکه در سال‌های اخیر ایران در حال سپری کردن خشکسالی است. تاثیر بحران آب بر سیاست ایران دو جنبه است: نخست در سطح منطقه‌ای ایران منابع آبی-رودخانه‌ای مشترکی با افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان و عراق دارد. هیدروپلیتیک در ارتباط با مساله‌ها مون تاثیر چالش‌سازی بر روابط ما با افغانستان در آینده دارد. خشک شدن هامون پیامد امنیتی این وضعیت است که به دنبال خود افزایش بیکاری در مناطق



سیستان و دامن زدن به مهاجرت را در پی داشته است. در سطح داخلی نیز سیاست‌های توسعه کشاورزی و تولید برق توجیهی برای توسعه سدسازی در مناطق دارای منابع آبی و اعطای مجوز احداث چاه‌ها در مناطق خشک زمینه بحران آبی را در کل کشور آماده کرده است. در واقع این اقدامات به توسعه کانون‌های ریزگردها در داخل کشور منجر شده است.^۱

در این زمینه توجه به این پیشنهادات ضروری است. آمایش سرزمینی مناسب با کشت کشاورزی در هر منطقه یک اصل اساسی است. توسعه شیوه‌های نوین آبیاری در کل کشور و حتی مناطق پر بارش و اختصاص سرمایه لازم برای آن لازم است. اغلب مراکز استان‌های کم بارش فاقد سیستم تصفیه فاضلاب مجهز هستند. تجهیز کلان شهرها و حداقل مراکز استان‌ها به سیستم فاضلاب شهری و ایجاد تصفیه خانه‌های مدرن که حجم بزرگی از این آب را پاکسازی کرده و وارد چرخه مصرف مجدد به ویژه در حوزه کشاورزی و صنعت شود. در این زمینه تفکیک آب شرب خانگی و آب برای سایر مصارف یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. برنامه ریزی برای اجرای طولانی مدت انتقال آب خلیج فارس و دریای عمان به مناطق خشک برای افزایش اشتغال و کاهش مهاجرت در قالب یک استراتژی بلند مدت مهم است. به ویژه اینکه صنایع معدنی استان‌های جنوب شرق کشور به ویژه کرمان متکی به منابع آبی است. کنترل بهینه منابع آبی سرگردان ناشی از سیلاب‌ها به گونه‌ای که به زیست بوم مناطق پایین آب آسیب وارد نکند نیز باید مورد توجه واقع شود. در مجموع تاثیر بحران آب بر امنیت ملی ایران یک تهدید داخلی است و در صورت عدم برنامه‌ریزی صحیح برای برخورد با این بحران، ایران در آینده مجبور خواهد شد حجم بزرگی از سرمایه انسانی و مالی خود را صرف این تهدید بکند.^۲

منابع و مسائل آب‌های ایران

منابع آب‌های ایران

ایران به لحاظ قرار گرفتن در کمربند صحرایی جهان و همچنین موقعیت جغرافیایی دور از دریاهای بزرگ به‌ویژه جریانات هوایی، دارای آب و هوای غالباً خشک می‌باشد و همین امر موجب شده است تا متوسط سالانه نزولات جوی کشور از حدود ۲۴۰-۲۵۰ میلی‌متر فراتر نرود و این مقدار کم نیز توزیع مکانی بسیار ناهمگنی دارد، به طوری که فقط ۱ درصد از مساحت کشور بارشی بیش

1. <http://ebtekarnews.com/index.php?newsid=124293>

2. <http://ebtekarnews.com/index.php?newsid=124293>



از ۱۰۰۰ میلیمتر دارد، در حالیکه ۲۸ درصد از سطح کشور، بارش سالیانه کمتر از ۱۰۰ میلیمتر دارد و به طور کلی مقدار بارش در ۶۹ درصد از سطح کشور از ۲۰۰ میلیمتر کمتر است. مسئله دیگر ریزش فصلی این بارش‌ها است که در فصولی که بیشترین نیاز به آب وجود دارد، کمترین بارش صورت می‌گیرد (موحد دانش، ۱۳۷۳: ۳۵۸).

رودخانه‌های مرزی ایران

حجم خروجی از رودخانه‌های مرزی ایران حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب و حجم آب‌های رودخانه‌های ورودی به کشور نیز حدود ۹-۵ میلیارد مترمکعب برآورد می‌شود که ۲ میلیارد مکعب آن از مرزهای شرقی و مابقی از مرزهای شمال غربی وارد کشور می‌شوند. در ایران حدود ۵ هزار رودخانه کوچک و بزرگ وجود دارد که برخی از آن‌ها دائمی و برخی فصلی هستند و از این تعداد ۱۷ رودخانه بیش از ۳۰۰ کیلومتر مسافت دارد. رودخانه‌های مرزی ایران حدود ۸۹ رودخانه است که شامل ۱۷ رودخانه مشترک با کشورهای هم‌جوار، ۴ رودخانه ورودی و ۶۸ رودخانه خروجی می‌باشد.

رودخانه‌های ورودی عبارت‌اند از: ارس و اترک در شمال ایران که از ترکیه و ترکمنستان سرچشمه می‌گیرند و دو رودخانه هریرود و هیرمند در شرق کشور که سرچشمه آن‌ها افغانستان است. رودخانه‌های خروجی ایران نیز شامل: ۱۴ رودخانه که آب حدود ۵۰ رودخانه فرعی مستقیماً به دریای خزر می‌ریزند^۱. ارس و اترک در شمال ایران که از ترکیه و ترکمنستان سرچشمه می‌گیرند و دو رودخانه هریرود و هیرمند در شرق کشور که سرچشمه آن‌ها افغانستان است. در میان کشورهای همسایه، ایران با کشور عراق دارای بیشترین پیوند توپوگرافیکی و تداخل حوضه آبریز از نظر جریانات آب‌های سطحی است و به علت قرار گرفتن ایران در بالادست و داشتن موقعیت کوهستانی سالیانه میلیاردها متر مکعب آب کشور به عراق جریان می‌یابد.

مسائل آب‌های ایران

مسائل و مشکلات آب‌های ایران به شرح زیر است:

۱- عدم تعادل زمانی و مکانی بارش‌ها در کشور: منابع آب ایران از نظر زمانی و مکانی دچار عدم تعادل است. از نظر زمانی بیشترین بارش‌ها (حدود ۷۵ درصد) در فصول زمستان و بهار

1. <http://www.farsnews.com>



صورت می‌گیرد که گیاهان و محصولات کشاورزی نیاز کمتری به آب دارند. از نظر مکانی بیش از ۳۰ درصد بارش در دامنه‌های شمالی البرز که ۱۰ درصد فضای کشور را تشکیل می‌دهند می‌بارد و از طرف دیگر ۶۰ درصد فضای کشور که شامل مناطق داخلی است، تنها ۳۰ درصد بارش‌ها را دریافت می‌کند و حدود ۳۰ درصد بارش‌ها نیز در ۴۰ درصد از مساحت کشور که شامل مناطق کوهستانی است صورت می‌گیرد. به‌طور کلی می‌توان گفت که میزان بارش از مناطق کویری تا دامنه‌های شمالی البرز از ۵۰ تا ۱۸۰۰ میلی‌متر متغیر است (کردوانی، ۱۳۸۳: ۲۶).

۲- کاهش مداوم سرانه آب در کشور: آمارهای جهانی نشان دهنده این است که سرانه آب در همه کشورهای جهان سیر نزولی دارد.

۳- افزایش اختلافات بین سکونتگاه‌ها: آب همواره یکی از دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های ساکنان فلات ایران بوده است. افزایش جمعیت و تحول در الگوی مصرف آب باعث می‌شود که در تداوم بحران‌های گذشته، میان سکونتگاه‌ها رقابت بر سر تصرف منابع آب‌های سطحی و عمقی افزایش یابد و کشمکش و درگیری بین جوامع توسعه‌یابند که این مسئله دارای تبعات سیاسی و امنیتی برای کشور است. هم‌چنانکه در مورد شهر آبادان در سال ۱۳۷۹ اتفاق افتاد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۴۸).

۴- برداشت بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی: برآشت بی‌رویه آب از سفره‌های زیرزمینی در بسیاری از دشت‌های کشور موجب سقوط سطح این آب‌ها شده و به دنبال آن بسیاری از قنات‌ها و چشمه‌ها که در روستاها مورد استفاده بودند خشک شدند که این امر موجب تخلیه آبادی‌ها و مهاجرت آنها به شهرها می‌شود.

۵- خروج آب‌های سطحی از کشور: سالانه حدود ۹-۵ میلیارد مترمکعب از آب‌های سطحی کشور توسط رودخانه‌های مرزی از کشور خارج می‌شود. سازمان ملل نیز به کشورهای بالادست اعلام کرده است که اگر تا سال ۲۰۰۸ اقداماتی را برای مهار آب‌های مرزی خود انجام ندهند، دیگر نمی‌توانند اقدامات جدی در زمینه مهار این آب‌ها صورت دهند و باید اجازه بدهند که کشورهای پایین دست از این آب‌ها بهره‌مند شوند (مختارحشی، ۱۳۷۸: ۱۴۱).

هیدروپلیتیک شرق ایران

وابستگی ایران به منابع آبی افغانستان: ایران علاوه بر منابع آبی ای که در مناطق شرقی خود



دارد از سه منبع دیگر نیز آب دریافت می‌کند که سرچشمه آنها در افغانستان قرار دارد که ذیلاً به هر کدام آنها به صورت جداگانه پرداخته می‌شود:

الف: رود هلمند و استفاده از آن در ایران: رود هلمند علاوه بر آن که در برخی قسمت‌ها مرز مشترک افغانستان با ایران را تشکیل می‌دهد، نیازهای آبی مناطق وسیعی را در شرق ایران به‌خصوص استان سیستان و بلوچستان تأمین می‌نماید. بروز خشکسالی‌های متواتر در اواخر دهه چهل و خشک شدن آب رود هلمند، دولت وقت ایران را بر آن داشت تا با استفاده از مشاوره‌های تخصصی جاپانی‌ها، برای کاستن دامنه زیان‌های ناشی از شرایط اقلیمی و استفاده مناسب از آب رود هلمند، این آب را در گودال‌های طبیعی‌ای که در کنار مرز با کشور ما وجود دارند، هدایت نموده و امکانات استفاده تدریجی را از آن فراهم نماید. این ذخیره‌گاه‌های طبیعی در ایران تحت عنوان چاه نیمه‌های زایل یاد می‌شود. خشکسالی‌های سال‌های دهه هفتاد خورشیدی که کاهش شدید آب رود هلمند را به همراه داشت، دولت‌مردان ایران را متوجه ناکافی بودن، آب ذخیره شده در چاه نیمه‌های سه‌گانه قبلی ساخته و آنان را بر آن داشت که طرح احداث چاه نیمه چهارم با ظرفیت ذخیره‌سازی ۸۰۰ میلیون متر مکعب آب را در دستور کار خود قرار دهند.

برای احداث چاه نیمه چهارم در مجاورت چاه نیمه‌های قبلی ۸۰ میلیون دلار پول به مصرف رسیده و کار احداث آن در اوایل سال ۱۳۸۳ به پایان رسید. طرح احداث خط لوله ۱۹۲ کیلومتری از پروژه‌های مهم دیگری بود که جهت انتقال آب ذخیره شده رود هلمند در چاه نیمه‌ها، به شهر زاهدان؛ در سال ۱۳۸۲ به بهره‌برداری سپرده شد. قرار است که آب انتقال شده توسط این خط لوله ۲۷ میلیون متر مکعب نیازهای آبی ۸۰۰ هزار نفر از ساکنان شهر زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان را در سال تأمین کرده و برای اجرای این پروژه هم مبلغی در حدود ۷۵ میلیون دلار به مصرف رسیده‌است. ضرورت حفظ تعادل ایکولوژیک در منطقه شرق ایران که نه تنها زیستگاه بعضی از انواع نادر حیوانات اهلی و پرندگان بوده و رستنگاه بعضی از گیاهان کمیاب می‌باشد، بلکه وابستگی عمیق ایران به آب رود هلمند که نیاز حیاتی بیشتر از ۱ میلیون نفر از ساکنان سیستان و بلوچستان را تأمین می‌نماید، سبب شده‌است که چگونگی بهره‌برداری از آب این رود- به یک موضوع حساس و استراتژیکی در روابط دو کشور تبدیل شده و هرازگاهی مورد نزاع و مناقشه قرار گیرد (آف‌فهم، ۱۳۹۵: ۱۶).

ب: هیدروپلیتیک هیرمند: رود هیرمند به عنوان بزرگترین رود فلات ایران و کشور افغانستان می‌باشد، گسترش حوضه رودخانه هیرمند در فضای سرزمینی دو کشور ایران و افغانستان و



قرار گرفتن بخشی از مسیر آن به عنوان مرز دو کشور باعث شده تا هیرمند به عنوان رودخانه بین‌المللی محسوب شود. هیرمند از کوه‌های جنوب غربی کابل سرچشمه می‌گیرد و پس از طی مسافتی وارد مرز مشترک ایران و افغانستان می‌شود. نکته‌ای که در بیش از یک قرن گذشته حائز اهمیت می‌باشد این است که افغان‌ها با گذشت زمان موضع سرسختانه‌تری نسبت به ایران در خصوص آب هیرمند اتخاذ کرده‌اند

از حدود ۱۳۰ سال قبل قراردادهای متعددی بین ایران و افغانستان در مورد استفاده از آب هیرمند منعقد شده است که سهم ایران در هر قرارداد نسبت به قبل کمتر شده است (مختاری‌هشی، ۱۳۷۸: ۱۴۶).

پ: هریرود کانون بالقوه اختلاف میان دو کشور: هریرود ۸۵۰ کیلومتر طول داشته که از این میان ۵۶۰ کیلومتر آن در داخل افغانستان جاری است. حدود ۱۳۰ کیلومتر مرز مشترک میان دو کشور ایران و افغانستان و ۱۱۰ کیلومتر، مرز مشترک میان ایران و ترکمنستان را همین رود تشکیل می‌دهد. هریرود در گذشته‌های دور، در سال‌های پربابی سرانجام وارد ترکمنستان شده و در ریگزارهای قراقرم جذب می‌شد. نام‌های هری و هریوا که نام‌های باستانی هرات می‌باشند از همین رود گرفته شده‌اند.

در سال‌های اخیر دو کشور همسایه ایران و ترکمنستان بدون توجه به نیازهای مردم افغانستان به این آب‌ها و بدون نگرانی از این خطر که اگر روزی دولت افغانستان در راه توسعه گام نهاده و مهار آب‌های سطحی خود را با آغاز دوباره کار احداث بند سلما و پروژه‌های مشابه، در دستور کار قرار دهد، دیگر آب اضافی‌ای در هریرود باقی نخواهد ماند تا در ریگستان‌ها هدر رفته و یا «سد دوستی»^۱ را پرآب نماید، باهم تبنانی نموده و بندی را به منظور بهره‌برداری از آن احداث نمودند. عملیات اجرایی بدنه اصلی «سد دوستی» از اواخر سال ۱۳۷۹ شروع و قرار بود که طی ۶۰ ماه، کار آن به پایان برسد. اما بر اساس توافقات به عمل آمده و پروتوکول‌های امضا شده بعدی بین دو کشور، قرار شد عملیات اجرایی بند ۱۴ ماه زودتر از زمان پیش‌بینی شده در سال ۱۳۸۳ به پایان رسانیده شود (آقافهیم، ۱۳۹۵: ۲۲).

۱. سد دوستی در نقطه صفر مرزی بین ایران و ترکمنستان قرار دارد، حجم مخزن این سد ۱/۲۵ میلیارد متر مکعب می‌باشد. هدف از احداث این سد تأمین آب اراضی دشت سرخس به میزان ۲۵ هزار هکتار برای ایران و ۲۶ هزار هکتار توسعه آبیاری برای ترکمنستان و مهار سیلابها و همچنین انتقال سالانه ۱۵۰ میلیون متر مکعب آب به مشهد عنوان شده است.



یکی از پدایش بحران پیش رو، عدم اجرای تعهدات ناشی از قرارداد امضا شده میان ایران و افغانستان است. طبق قرارداد دولت ایران با دولت افغانستان، مقرر شد تا دولت افغانستان ۲۶ متر مکعب در ثانیه آب را از طریق هیرمند به زابل انتقال دهد که بخشی از این آب به دریاچه و یا تالابهامون سرآزیر می‌شود. ولی در چند سال گذشته و با ادامه خشکسالی در منطقه این تعهد عمل نشده و با پیگیری‌های مکرر، اعلام شده که دولت افغانستان به علت خشکسالی و کمبود آب از انتقال آب هیرمند به سوی زابل خودداری می‌کند. د پی خشک شدن دریاچه هامون، این منطقه به یکی از عمده ترین کانون‌های برداشت شن و ماسه تبدیل شده و همه مزارع و روستاهای اطراف را درنور دیده که از تبعات آن مهاجرت گسترده روستاییان است (کاویانی‌راد، ۱۳۸۴: ۳۴۷).

مناقشه ایران و افغانستان بر سر رودخانه هیرمند

در یک بررسی با اشاره به تاریخ مناقشه دو سده ایران و افغانستان بر سر رودخانه مرزی و مشترک هیرمند دریافتند که نه تنها دو کشور به عنوان یک عامل عمده تاثیرات منفی زیادی داشته بلکه به گونه‌ای اثر گذاری بحران‌هایی مانند فقر، بیکاری، قاچاق مواد مخدر و از همه مهمتر موضوع ناامنی در این منطقه از کشور را با خطر جدید مواجه ساخته‌است. این محققان با بررسی رودخانه‌های مشترک مرزی شرق ایران در ابعاد مختلف دریافتند که آب‌های مرزی بر امنیت ملی نیز اثر گذار است. قطع آب رودخانه هیرمند صدمات غیر قابل جبرانی را بر منطقه هامون واقع در سیستان وارد کرد به طوری که بیشتر مردم به ویژه روستاییان شغل خود را از دست داده‌اند و ضریب بیکاری به شکل خطرناکی بالا رفته‌است. بیکاری مردم خود را به دو شکل مهاجرت یا روی آوردن به قاچاق کالا و مواد مخدر نشان داده‌است (صالحی، پازوکی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۳۱).

هیدروپلیتیک بخش غربی ایران

اقلیم‌شناسی عمومی و مرفولوژی حوضه آبریز رودخانه‌های مرزی غرب ایران: حوضه آبریز رودخانه‌های مرزی ایران و عراق به صورت رشته دیواره ماندنی به موازات مرزهای غربی کشور کشیده شده‌است. این منطقه در بخش‌های شمالی، شمال غربی و غرب چین خوردگی‌های زاگرس قرار داشته و بخش عمده مساحت آنها را مناطق کوهستانی که با شیب تندی به دشت‌های کم‌ارتفاع ساحل شرقی رودهای سیروان و دجله منتهی می‌گردند، تشکیل می‌دهد (جاماب؛ ۱۳۷۲: ۱۲-۱۱). در غرب کشور تعداد زیادی رودخانه دائمی و فصلی به عراق سرآزیر می‌شود که مهمترین



آنها رودخانه‌های زاب کوچک و سیروان می‌باشند که سالیانه به‌طور متوسط حدود ۵ میلیارد مترمکعب از ایران خارج و به کشور عراق می‌ریزند. با توجه به اینکه در ایران طرح‌هایی برای مهار و استفاده بیشتر از آب این رودها در دست مطالعه و اجرا می‌باشد، بنابراین این دو رودخانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شبکه هیدروگرافی

الف: رودخانه زاب کوچک: این رودخانه از ارتفاعات سیاه کوه واقع در مرز ایران و عراق سرچشمه گرفته و بنام لاوین چای ابتدا در جهت غرب به شرق و سپس در جهت جنوب شرقی جریان یافته و در ۱۰ کیلومتری شرق پیرانشهر با آوار چای که از شرق به غرب و جنوب غربی جریان یافته بهم متصل می‌شوند. از این منطقه رودخانه بنام زاب کوچک نامیده می‌شود. در مرز ایران و عراق این رودخانه بخشی از خط مرزی را تشکیل می‌دهد که رودخانه بانه چای (چومان چای) نیز در این ناحیه به آن متصل می‌گردد (عبدی، مختاری، ۱۳۸۴: ۲۳۸). ظرفیت سالانه زاب کوچک پس از اتصال چومان چای (بانه رود) ۲ میلیارد و ۱۷۰ میلیون مترمکعب برآورد شده که در حال حاضر ۲۸ درصد آن یعنی ۶۱۸ میلیون مترمکعب از آن استفاده می‌شود و ۷۲ درصد بقیه به عراق سرازیر می‌شود. به منظور جلوگیری از خروج آب‌های این رودخانه و استفاده هرچه بیشتر از آب‌های آن، طرح انتقال آب از سرشاخه‌های این رودخانه به حوضه‌های داخلی از جمله حوضه دریاچه اورومیه مطرح شده است که در صورت اجرایی شدن علاوه بر مزایای اقتصادی فراوان، از کاهش شدید سطح آب دریاچه اورومیه که در اثر ایجاد سدهای زیاد بر روی رودخانه‌های وارده به این دریاچه اتفاق افتاده است، جلوگیری خواهد کرد و موجب احیای این دریاچه خواهد شد. با احداث سیستم آبیگری و جمع‌آوری کننده سرشاخه‌های زاب کوچک به دریاچه سد مخزنی پیران امکان توسعه اراضی دشت پیرانشهر به مساحت ۲۶۹۳۵/۵ هکتار و انتقال آب مازاد به حجم ۵۴۷ میلیون مترمکعب در سال به رودخانه گدار چای (حوضه دریاچه ارومیه) فراهم خواهد شد. پتانسیل منابع آب موجود در این طرح بر پایه آمار و اطلاعات به میزان ۸۷۰ میلیون مترمکعب تخمین زده می‌شود (عبدی و مختاری، ۱۳۸۴: ۲۱۶).

ب: رودخانه سیروان: سرچشمه این رودخانه به نام گاوهرود از ارتفاعات جنوب قروه سرچشمه گرفته و در جهت شرق به غرب جریان می‌یابد. یکی دیگر از شاخه‌های فرعی این رودخانه



قشلاق می‌باشد. رود قشلاق از ارتفاعات شمال سنندج سرچشمه گرفته و به طول حدود ۹۰ کیلومتر در امتداد شمال به جنوب و جنوب غربی جریان یافته و به گاوهر رود متصل می‌شود. از اتصال گاوهر رود و قشلاق رود سیروان پدید می‌آید که پس از الحاق دو رود مزبور به سمت غرب جریان یافته و دو شاخه فرعی از سمت جنوب به آن اضافه می‌گردد (مختاری‌هشی، ۱۳۷۸: ۱۴۹-۱۴۸). امروزه پروژه‌ها و طرح‌های مختلفی برای احداث بر روی رودخانه سیروان و شاخه‌های آن پیشنهاد شده‌است که در مجموع می‌توان آن را در سه فاز کلی بیان کرد به‌طوری‌که با اتمام فاز اول (سد گاوشان) ۸ درصد، فاز دوم (دو سد در دست مطالعه) حدود ۲۵ درصد و فاز سوم (تونل‌های انحرافی مورد نظر وزارت کشاورزی) حدود ۳۰ درصد که جمعاً به ۶۵ درصد می‌رسد، در داخل کشور مورد بهره‌برداری قرار گرفته و مابقی (۳۵ درصد) وارد خاک عراق خواهد شد این در حالی است که هم‌اکنون تنها از ۳ درصد آب این رودخانه در داخل کشور استفاده می‌شود. در مجموع بیش از ۱/۷ میلیارد متر مکعب آب با پایان این پروژه‌ها به حوضه‌های مجاور منتقل می‌شود (مشانیر، ۱۳۸۳: ۲۴).

نتیجه‌گیری

آب و تأمین آن از جمله موضوعات تازه‌ای است که به صورت چالش‌های عمده فراروی انسان قرن حاضر است. با اهمیت یافتن مسائل زیست‌محیطی در دهه‌های اخیر جنبه‌های مختلف موضوعات آن به‌طور عمومی یا موردی وارد حوزه مطالعات امنیت بین‌المللی کشورها شده‌است که منابع آب از مهمترین آنها به‌شمار می‌رود، محدودیت منابع آب شیرین جهان از یک طرف و افزایش روزافزون مصرف آب در اثر عواملی همچون رشد جمعیت، بالا رفتن سرانه مصرف، افزایش مصرف در فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی و... از طرف دیگر، آب را به عرصه رقابت بین گروه‌ها، جوامع و کشورهای مختلف کشانده‌است. عدم تطابق حوضه‌های آبریز بسیاری از رودخانه‌ها با مرزهای سیاسی و در نتیجه اشتراک دو یا چند کشور در این حوضه‌ها موجب مسائل و مشکلات فراوانی بین کشورها شده‌است، به‌طوری‌که تاکنون بیانیه‌ها، کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی زیادی جهت مدیریت و حل و فصل این مسائل به‌وجود آمده‌است.

امروزه نقش آب در روابط کشورهای واقع در حوضه‌های آبریز مشترک، طیفی از همکاری کامل تا رقابت کامل و بروز جنگ را در بر می‌گیرد و به‌صورت یکی از مباحث مورد توجه در جغرافیای سیاسی درآمده‌است. شاخه‌ای از جغرافیای سیاسی که به بررسی نقش آب در رفتارهای سیاسی در



مقیاس‌های مختلف می‌پردازد، هیدروپلیتیک نامیده می‌شود. بنابراین در آینده در مورد هیرمند نه تنها انتظار بهبود اوضاع، بلکه باید منتظر وخامت بیشتر اوضاع بود و وابسته کردن بیشتر شهرهای شرقی کشور به منابع آب ورودی از افغانستان نمی‌تواند راه حل منطقی و اساسی باشد. اجرای پروژه عظیم «گپ» در ترکیه که با احداث چندین سد بزرگ در مسیر رودهای دجله و فرات همراه است میزان آب ورودی به عراق را کاهش خواهد داد. اجرای پروژه‌های مهار آب‌های مرزی در غرب ایران به کاهش هرچه بیشتر منابع آب عراق کمک خواهد کرد. بنابراین مهار آب‌های خروجی ایران در غرب که مناطق شیعه نشین عراق را بیشتر تحت تأثیر قرار خواهد داد ممکن است موجب سوء استفاده گروه‌ها و کشورهای مخالف نفوذ ایران در عراق واقع شود و به‌عنوان ابزاری در جهت تخریب وجهه ایران استفاده شود که لازم است در این زمینه اقدامات به‌گونه‌ای باشد که کمترین آسیب به روابط دو کشور وارد شود.

در پایان باید گفت که ایران در زمینه توجه به مسائل هیدروپلیتیک خود در غرب ضمن حفظ منافع ملی خود باید توجه داشته باشد که اجرای این پروژه‌ها کمترین آسیب را به روابطش با عراق وارد سازد و از همه مهمتر این که گرچه ایران در این بخش موقعیت بالادست دارد ولی در بخش شرقی خود در موقعیت فرودست قرار دارد بنابراین هرچه ایران در غرب خود بر عراق فشار وارد سازد همان می‌تواند الگویی باشد که افغانستان از آن علیه ایران استفاده کند به‌ویژه آنکه در شرایط کنونی هر دو کشور عراق و افغانستان از طریق زنجیر آمریکا به متصل می‌باشند. بنابراین اجرای پروژه‌های آب غرب کشور دارای ظرافت‌های ژئوپلیتیک منحصر به فردی است که دستگاه سیاست خارجی کشور باید با هوشیاری و تلاش فراوان و با کمترین هزینه بیشترین دستاوردها را در آن نصیب کشور سازد.

می‌توان راهبردهای زیر برای حل بحران بهره‌برداری از آبخوان‌های مشترک کشور ایران و همسایگان شرقی و غربی آن، در نظر گرفت: ۱- بحران حاضر تنها از طریق ایجاد ساختارهای مدیریتی مناسب در بهره‌برداری مشترک و حکمرانی آب‌های سطحی و زیرزمینی و اعمال برنامه‌ریزی‌های کلان و واقع‌بینانه و مبتنی بر تعاملات بین‌المللی و با استفاده از تمامی امکانات و ظرفیت‌ها، تبدیل به فرصت شده و قابل کنترل خواهد بود، ۲- مدیریت آبخوان‌های مرزی نیازمند ایجاد یک پایگاه دانش یکپارچه سازگار به عنوان یک پیش‌نیاز مبتنی بر شناخت دقیق از آبخوان مرزی است، ۳- برای مدیریت بهتر آبخوان‌های بین‌المللی، ایجاد نهادهای مشترک برای همکاری و هماهنگی پیرامون طرح‌های آبی، درگیر کردن بهره‌برداران محلی و نهادهای غیردولتی، در



نظر گرفتن طرح‌های متناسب با ظرفیت‌های آبی حوزه و حبابه هریک از کشورها، تعیین ارزش واقعی آب و تلاش برای رفع نیازهای طرفین و همچنینی برگزیدن یک رژیم حقوقی بهره‌برداری از آب‌های مشترک که متضمن استفاده عادلانه، معقول و پایدار باشد، ضروری است، ۴- گزینش رویکردی جامع و پایدار به مقوله امنیت در حوزه مسائل آبی، ضروری است، ۵- در نواحی شمال شرقی، باید با یک نگاه جامع و با بهره‌گیری از تجربه موفق همکاری‌های آبی میان ایران و ترکمنستان، مدیریت بهتر و کارآمدی بر روی بهره‌برداری از آب‌های مرزی صورت گیرد، ۶- با توجه به اهمیت ژئوپلیتیک غرب کشور که به امنیت کلی کشورهای همسایه نیز گره خورده است، مذاکره و همکاری در زمینه آب‌های مرزی باید در دستور کار قرار گیرد.



منابع

آقا فهیم، پوهنمل نجیب (۱۳۹۵). آب، صلح و امنیت برای همه: هیدروپولیتیک افغانستان عاملی بالقوه برای صلح پروری، سلسله نشرات گفتگوی سبز منطقه‌ای، چاپ اول، کابل، افغانستان، نشاط گرافیک.

اردکانیان، رضا (۱۳۸۴). مشغله‌ای برای دو دهه، ویژه نامه مدیریت منابع آب، روزنامه ایران مورخ دوشنبه ۱۷ مرداد.

بای، یارمحمد (۱۳۸۵). هیدروپولیتیک رودهای مرزی ایران، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

بهران، صدیقه، هنربخش، نازلی (۱۳۸۶). بحران وضعیت آب در ایران و جهان»، پژوهشنامه مطالعات توسعه پایدار و محیط زیست، شماره اول، تهران، اندیشه برتر پویا.

بزی، خدارحم؛ خسروی، سمیه؛ جوادی، معصومه؛ حسین‌نژاد، مجتبی (۱۳۸۹). بحران آب در خاورمیانه (چالش‌ها و راهکارها)، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام ((ICIWG ۲۰۱۰.

تریف، تری و دیگران (۱۳۸۱). واقع‌گرایی و لیبرالیسم، در: افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

جاماب (۱۳۷۲). طرح جامع آب کشور (حوضه آبریز غرب)؛ وزارت نیرو.

چیت‌ساز، محسن (۱۳۸۶). آب و امنیت بین‌المللی، پژوهشنامه مطالعات توسعه پایدار، شماره اول، تهران، اندیشه برتر پویا، ۳۷.

حافظ‌نیا، محمدرضا و نیکبخت، مهدی (۱۳۸۱). آب و تنش‌های اجتماعی-سیاسی، مطالعه موردی: گناباد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی سال هفدهم، شماره ۶۶-۵۶.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.

حافظ‌نیا، محمدرضا، مجتهدزاده، پیروز، علی‌زاده، جعفر (۱۳۸۵). «هیدروپولیتیک هیرمند و تاثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان»، مدرس علوم انسانی- برنامه ریزی و آمایش فضا، شماره ۲.

ربیعی، علی (۱۳۸۳). «مطالعات امنیت ملی»، چاپ دوم، تهران: وزارت امور خارجه.

زیباکلام، صادق (۱۳۸۷). «ما چگونه ما شدیم، ریشه‌یابی علل عقب ماندگی ایران»، انتشارات روزنه، ۱۱۲.



سینائی، وحید (۱۳۹۰). «هیدروپلیتیک، امنیت و توسعه همکاری‌های آبی در روابط ایران، افغانستان و ترکمنستان»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره دوم، تابستان، صص ۲۱۱-۱۸۵.

صادقی، شمس‌الدین (۱۳۹۵). «هیدروپلیتیک و امنیت ملی (مطالعه موردی: کشورهای منطقه خلیج فارس)»، فصلنامه راهبرد / سال بیست و پنجم / شماره ۸۱ / صص ۱۴۴-۱۱۷.

صالحی، صادق، پازوکی نژاد، زهرا (۱۳۹۵). «تغییر آب و هوا؛ تهدید صلح و امنیت جهانی: رویکرد جامعه‌شناختی»، فصلنامه تخصصی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری شایا چایی، دوره اول، سال دوم، شماره سه، تابستان.

عبدی، عطاالله و مختاری، حسین (۱۳۸۴). نگاهی به فرصت‌ها و تهدیدهای هیدروپلیتیک ایران، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران: انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران.

عراقچی، سیدعباس (۱۳۹۳). دیپلماسی آب، از منازعه تا همکاری، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۱، زمستان، صص ۹۱-۱۱۹.

عسگری، محمود (۱۳۸۱). نسبت نوین منابع آبی به امنیت ملی؛ فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۶۱

علیزاده، جعفر (۱۳۸۳)؛ هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه تربیت مدرس.

علیزاده، محمد (۱۳۷۳). آب و جمعیت دو عامل تنش‌آفرین در ایران»، فصلنامه آب و توسعه، شماره ۷، سال ۳۲.

فروغی، پیام (۱۳۸۲). استفاده از آبهای فرامرزی، امنیت بین‌المللی و مدیریت بحران در آسیای مرکزی، ترجمه قاسم ملکی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۲۱ شماره ۳۴.

کاویانی، مراد (۱۳۸۴). مناسبات هیدروپلیتیک ایران و افغانستان، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره دوم.

ماندل، رابرت (۱۳۸۷). چهره متغیر امنیت ملی، تهران: ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.

محمودی، بهروز، سرلک، مهدی (۱۳۸۷). برآورد عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای آب و جایگاه ایران در منطقه از نظر توسعه پایدار، مرکز تحقیقات استراتژیک (معاونت پژوهش‌های اقتصادی)، ۳.



مختاری هشی، حسین (۱۳۷۸). بررسی وضعیت هیدروپلیتیک ایران، پژوهشنامه‌ی حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، شماره دهم، پاییز.
مشانیر (۱۳۸۳). طرح برق آبی و انتقال آب رودخانه زاب کوچک، جلدششم، تهران: پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.

موحد دانش، علی اصغر (۱۳۷۳). هیدرولوژی آبهای سطحی ایران، تهران: انتشارات سمت.
نورانی، محمود، بحران آب و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۶۰۴۰۳۰۰۱۸۵۶>
نهای، غلامحسین (۱۳۷۸). بحران آب در خاور میانه، تهران: مرکز مطالعات استراتژیک خاور میانه.

Bancroft, Timothy (2001), "Water shortage led to war, Pravda Publishers".
Engerer, Hella (2009), "Security Economics: Definition and Capacity", Economics of Security Working Paper 5, Berlin: Economics of Security.
FAO, (2003), "Agriculture, food and water, A contribution to the World Water Development" Report.
Haggett, Peter (2000), Geogaphy: a Modern Synthesis, Publishers: Harper & Row.
Kehl, Jenny, R. (2011), "Hydro political Complexes and Asymmetrical Power: Conflict, Cooperation and Governance of International River Systems", Journal of World- Systems Research, American Sociological Association, Volume 17, No I.
Mollinga, P.P, (2001), "water and politics, rational choice and south Indian canal"
Nakalenikova, Iulio, (2009), "The integrated water basin approach for the sustainable water management".
Turton, Anthony, Hen wood, Roland, (2002), "Hydro politics in developing world: A Southern African Perspective", Pretoria: University of Pretoria, African Water Issues Research Unit.
www.Roshangari.net/as/ds.
<http://www.aftab.ir>
<http://ebtekarnews.com/index.php?newsid=124293>
<http://ebtekarnews.com/index.php?newsid=124293>